

خاموشی

نگاهی به کارنامه فریماء فرجامی

که شامگاه جمعه در ۷۱ سالگی از دنیا رفت

خاموشی ماه‌منیر

« صفحه ۱۰ »

کارگردانان ایرانی با شخصیت علی باقرزاده (بقا) آشنا شوند

شاعری که رهبری «رفیق» صدایش می‌کرد

۱۱

در گفت‌وگوی حسین میرزا محمدی، کارگردان فیلم «کت چرمی» با جام جم بررسی شد

مواجهه بی‌واسطه سینما با قاچاق دختران

۸

ویژه

روایت «جام جم» از سالگرد آغاز به کار «شب‌بخیر کوچولو»

شگفتانه‌ای برای بانوی قصه‌گو

۶

گزارش

زینب علیپور طهرانی | رسانه

در نشست خبری دومین جشنواره ملی «آیین سخن» مطرح شد

تلاش برای حفظ هویت ملی و فرهنگی

نشست خبری دومین جشنواره ملی «آیین سخن» باهدف پاسداشت زبان فارسی روزگشته با حضور مهدی آذرمکان مدیر رادیو ایران، یدا... گودرزی، دبیر و رضا پجیرایی، مدیر کمیته جشنواره ملی آیین سخن برگزار شد. این جشنواره در چهار بخش رادیویی، بخش ویژه گرامیداشت حکیم نظامی، بخش مردمی و فضای مجازی برگزار شد. یدا... گودرزی در ابتدا با مقدمه‌ای از زبان و تاریخچه زبان فارسی، توضیحاتی درباره دومین جشنواره ارائه کرد و گفت: زبان آن چیزی است که به‌صورت روزمره از آن استفاده می‌کنیم اما گاهی زبان فراتر می‌رود و خودش تبدیل به فرهنگ می‌شود. ما بزرگان بسیاری داریم که در این زبان زیست کرده و خلق هنر کردند. میراث مشترک همه ما زبان فارسی است. رادیو نیز به‌عنوان نخستین رسانه صوتی که در ایران ظهور کرد استفاده از زبان فارسی را به‌عنوان یک کارکرد مهم در دستورکار خود قرار داد. زبانی که همه از آن استفاده می‌کنید زبانی است که رادیو آن را پدیدآورده است.

مهدی آذرمکان نیز در بخشی از این نشست گفت: در دوره جدید رادیو ایران که من یکی دو ماهه است در خدمت دوستان هستم، امیدواریم همکاری‌هایی بین رسانه‌های مختلف با این بیشتر شود. به‌ویژه درباره اشتراکاتی که وجود دارد. مثل همین زبان فارسی. برای حفظ هویت ملی و فرهنگی همگی باید تلاش کنیم. در سال‌های گذشته با ابزارهای جدیدی که در دنیای رسانه به‌وجود آمده خیلی‌ها تلاش کردند این پیوند تاریخی ما را از هم گسسته کنند و هویت تاریخی و ملی ما را زیر سؤال ببرند اما با تأکیدی که مقام معظم رهبری و هوشیاری‌ای که برخی مسئولان فرهنگی داشتند پوییش‌های مختلفی شکل گرفت که در ادامه‌اش شاهد دومین جشنواره ملی پاسداشت زبان فارسی هستیم.

آذرمکان در ادامه بیان کرد: خوشبختانه آثاری که اسمال به جشنواره ارسال شد، دوبرابر دوره قبل بود که نشان از توجه ویژه مردم و برنامه‌سازان به پاسداشت زبان فارسی دارد. ۱۰۵۱ اثر رادیویی در چهار بخش به دبیرخانه جشنواره ارسال شده است که در این بین ۷۳۳ اثر رادیویی است که برنامه‌سازان حرفه‌ای ساختند و به جشنواره ارسال کرده‌اند. در بخش ویژه هم ۶۱ اثر ارائه شده و در بخش مردمی ۷۸ اثر و فضای مجازی هم ۱۲۷ اثر



احمد میراحسان
نویسنده و پژوهشگر

مسأله تنظیم پلتفرم‌ها و قانونی شدن مدیریت ساترا، سبب اعتراض و خشم نیروهای غربگرا، لیبرال و مخالفان حکمرانی و حکومت روح انقلاب اسلامی بر نهادهای جامعه و حکمرانی ارزش‌های قانون اساسی شده است. علت چیست؟ درک درست و عالمانه واقعیت چنان که هست گام اول یک شناخت قرآنی و ضد سوبژکتیویسم است. ایران انقلاب اسلامی، بعد از ۴۴ سال حکمرانی جمهوری اسلامی هنوز درگیر اسلوب آزمون و خطا از یک سو و مجادلات پایان‌ناپذیر ساختاری از سوی دیگر است. چرا؟

ساختارهای بحران‌زا

آیامشکلی اساسی و حل‌ناپذیر وجود دارد؟ یا این امر در ارتباط با جامعه‌ای واقعی، مشخص و با وضعیت ویژه و تاریخی به‌نام ایران، گریزن‌ناپذیر است و چرا بدیهی است؟ همه کسانی که علاقه‌مندند به شیوه دستوری، استاتینی، ماثویی و... این چالش‌ها حل شود اشتباه می‌کنند. روش امام خامنه‌ای تئورستی‌وریده‌شدن نقاب‌شان خاتمه پذیرفت. همین‌طور بهترین شیوه اصلاح ساختاری است: شناخت ژرف اجتماع ایرانی و تضادهای درونی آن و هم عدم پذیرش مبانی و ساختارهای بحران‌زای بیگانه با انقلاب اسلامی و هم شکیب و همراهی برای اقناع عمومی و عمل پهنکام.

آشوب مضاعف به سود ضد انقلاب

بیا بید درک کنیم! اگر این روش رانی مردم سالارانه که هم اصول این که کدام استان‌ها حضور پر رنگ‌تری در جشنواره داشتند و این که آیا مراکز استان‌ها یا گویش محلی در این جشنواره حضور داشتند یا ملاک، زبان فارسی بود توضیح داد: آن چیزی که مهم بود پاسداشت زبان فارسی است. یعنی ممکن بود برنامه‌ای به زبان ترکی تولید شده باشد اما راجع به پاسداشت زبان فارسی است. بنابراین ممکن است برنامه‌ها با گویش و زبان محلی باشد اما معرفی شعر و ادبای ایران است و همین ملاک ما در انتخاب آثار بوده است. بنابراین موضوع برای ما مهم بود. وی ادامه داد: استان خراسان جنوبی استقبال خوبی از این جشنواره داشت و برنامه‌هایی با این محوریت تولید کرده بود. همچنین استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، قزوین، خوزستان، اردبیل و مازندران هم برنامه‌های بیشتری در این حوزه داشتند. مهدی آذرمکان نیز در پاسخ به سؤال جام جم درخصوص هنرمندانی که در اختتامیه از آنها تقدیر خواهد شد گفت: از چهار نفر از هنرمندان پیشکسوت رادیو ایران تقدیر خواهد شد. تورج نصر، علی آذری، ناهید تریایی گودرزی و ناصر مولاییان.

چرا برخی از شیطنت‌ها عجیب نیست؟

حکمرانی و پلتفرم‌ها



آن پرورده شده بودند. درس‌خوانده راه‌حل و باورها و علم غربی و شرقی بودند. هرچه داشتند از تمدن مدرن داشتند و ذهن‌شان جای حکاکای ارزش‌های لیبرال یا چپ مدرنیته بود. و منافع این روشنفکران لیبرال و مارکسیست با منافع مادی سرمایه‌داری وابسته و دلالت‌صفت که ساختار پیرامونی دوران پهلوی کشور ایران را تعریف می‌کرد و پس از انقلاب هم ادامه یافت. گره خورده بود. در گرماگرم انقلاب، این اتحاد مارکسیست‌های ایرانی با سرمایه‌داری غرب و تبدیل شدن به ابزار آمریکا و اروپا، باورکردنی نبود ولی بالاخره این پدیده حیرت‌انگیز بردگی و خدمتگزاری و حمایت ارباب از درون شعار مرگ بر آمریکا، دشمن اصلی ما، سر برآورد.

داخلی‌ها، شمشیر از رو بستند

می‌بینیم که ریشه تضاد داخلی است. اگر «خارج» نبود البته ۲ درصد قدرت به‌یا کردن این آتش و ویرانی و تبلیغ رانداشت اما به سبب ریشه داشتن این مخالفان در ساختار پیرامونی و ادامه این ساختار به‌وسیله نیروهای درون حکومت و قشرهای مدرن، آنان بازتولید اجتماعی شدند و چون لکه نفت در دریای تداوم روابط مادی و معنوی مدرن توسعه پیدا کردند. نکته مهم آن است که این پدیده در درون حکومت هم بازتاب واقعی داشت و مایه تعارضات انقلاب و ضدانقلاب و اسلام‌اصیل و لیبرالیسم غربگرا شد. وزیر و وکیل و رئیس‌جمهور و مدیران نظام هم نیروهای انقلابی و هم نیروهای ضدانقلابی و فرمیست و ادامه نظم غربگرا بودند. این است دلیل‌های مستمر درون نظام قدرت، نه حضرت رسول!... صلوات!... علیه و آله و نه وصی او... و نه بنده و برپادارنده لوای توحید در دهه‌های پایانی قرن بیستم و آغازین قرن بیست‌ویکم از این نیروها آسوده نبودند. روش اسلام صبر و عدم سرکوب و مدارا بوده تا زبان شمشیر از رو بستن و شروع خیانت و جنگ

و حمایت مردمی! ساترا یک آزمون جدید است. ببینیم ریشه‌های پلتفرم‌ها و معنای عمل‌شان چیست و راه نقابلی حل بحران کدام است؟

۲۰ درصدی‌های متوهم

ماجرای را باید از ریشه‌هایش شناخت. موضوع اصلی آن است که یکی از تضادهای بزرگ درون جمهوری اسلامی از روز اول، وجود قشر متنوع روشنفکرانی در ایران بوده که با حکمرانی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی موافق نبودند. این مخالفت از نظر کمی پایه سیاسی و اجتماعی ناچیزی در حدود ۲۰ درصد داشت اما از نظر کیفی نیروهای صاحب قلم، رسانه و دارای پایگاه در میان هنرمندان، فیلمسازان، اهل ادبیات، اساتید دانشگاه، سرمایه‌داران، مدیران و نظامیان تکنوکرات‌های دوران پهلوی، گروه‌های کوچک و بزرگ سیاسی مارکسیست و لیبرال و مخالفان شاه و زندانیان چپ و چپ‌های اسلامی و گروهی از روحانیون موافق انقلاب را تشکیل می‌داد. اینان صدای رسایی در مطبوعات و رسانه‌ها داشتند ۲۰ درصد بودند اما خود را صد در صد و می‌نمودند. اینان نیروهای داخلی بودند اما از حمایت استخبار جهانی بهره‌می‌بردند.

فروغیت جهانی از این نیروها به‌عنوان ابزار مهار انقلاب و بازگشت بردگی سود می‌برد و آنان واقف بودند یا نه به سبب سخت‌ایدئولوژیک و خیال و اوهام در خدمت آنان، علیه انقلابی برای راهبای از بت‌های قدرت متفرعن بودند، علیه انقلابی توحیدی که علیه بندگی غیرحق برپا شده بود، علیه انقلابی که برای استقلال و آزادی و پیشرفت و عدالت وطن می‌جنگید و این نیروها از روز اول در راه سرنگونی جمهوری اسلامی همدست شده بودند. چرا؟ چون اینان به تمدن مدرن، چه غربی و چه شرقی وابسته بوده و برای

بخش
اول

علنی با حکومت. چه مدارا با بنی‌صدر یا اصلاح‌طلبان ضد خط اسلام و غربگرا در همه دوره‌ها تابع همین منطق و تا حد ممکن صبر و نصیحت بوده است. متأسفانه آذهان گرفتار اوهام این شکیب را به حساب ضعف گذاشتند و به ویرانگری و مخالفت عملی روی آوردند و مجری سیاست دشمن شدند و البته جواب درخورو و دندان‌شکن دریافت کردند. این تداوم چالش بین و قطب و غربگرایان ایرانی تحت حمایت استخبار و رسانه‌های آنان، بی‌بی‌سی و صدای آمریکا و اسرائیل و من‌وتو تاکنون ادامه یافته است. تلاش برای قدرت حکمرانی اسلامی به سود حکمرانی غربگرا سرشت این چالش است. ببینیم ماجرای پلتفرم و ساترا در ارتباط با حکمرانی و این چالش کهنه با قدرت گرفتن جمهوری اسلامی چیست؟ درک رفتار جنجالی درباره ساترا بدون درک همین موضوع، رو می‌بندند. عجیب نیست در ایران رؤسای جمهور و وزرا و وکلای لیبرال و غربگرا هم علیه نظام و قوانین و تحکاتش در حکمرانی عمل کردند، چه رسد به فلان خبرنگار و فلان روزنامه و....

تضعیف حکمرانی اسلامی به سود رفتار لیبرالی

کلید درک این تعارض در کانونش موضوع مقابله با حکمرانی جمهوری اسلامی و ایجاد و حفظ پایگاه‌های لیبرالی درون نظام به‌وسیله نیروهای بی‌باور به حدود، قوانین، محرمات و... دینی است. قبلاً مقالات متعددی در باره حکمرانی و رسانه نوشته‌ام. اخیراً هم مصاحبه‌ای جالب توجه با استاد میرباقری در جام جم منتشر شد با بار علمی و استدلالی نیرومند درباره همین موضوع. باید بگویم نفوذ آنچه کافر در جان و روح گروهی از مردم سست بنیاد تضعیف حکمرانی اسلامی به سود رفتاری لیبرالی از درون، مقدر نیست و می‌خواهم از همین نقطه شروع کنم. البته دوستان بر اساس دوکلید واژه حمله سپاه ابرهه و بول کتیف مخالفت با کنترل پلتفرم‌های سینمایی و تفریحی را واکاوی کرده‌اند. البته اگر قرار بر استفاده از یک رابطه نمادین در تاریخ دین باشد، ترجیح می‌دهم از ماجرای نفوذ آنچه کافر در جان و روح گروهی از مردم سست بنیاد و کم ایمان در زمان حضرت سلیمان استفاده کنم. سپاه ابرهه، یک نیروی خارجی مهاجم بود اما دفاع از وجود یک فقیه ساخته و در جایگاه یک نهاد دارای مجوز پخش شده است؟ و مطبوعات آنجا هم‌زبان با نهاد‌های ایرانی از این رخداد و فقدان کنترل آن دفاع یا فعالیتش را تحت یک نهاد ملی آمریکا نفی کرده‌اند؟